

گفتگو
تاریخچه تأثیر کودکی
معرفی اجزای روز
چهارم
بچه‌ها و جشنواره



هشتمین جشنواره سراسری تأثیر کودک و نوجوان

۱۳ - آذرماه ۱۳۷۷

بازی و نمایش

بازی و نمایش دو مقوله نزدیک به هم هستند که برای کودکان و نوجوانان یک رابطه تنگاتنگ و مکملی محسوب می‌شود. در بطن هسته بازی است که اساس یک نمایش برای کودک و نوجوان تبلور و شکل می‌یابد بطوریکه برخی از صاحب نظران علم روانشناسی کودک اشاره کرده‌اند: بازی، بخش اساسی شیوه یادگیری و آموختن و آموزش یک کودک است بازی یک فعالیت بی معنی و پوچ آنگونه که در نزد خانواده‌ها تصور می‌شود نیست بلکه شیوه و نحوه تفکر و آگاهی عمل است و خود وسیله انتقال عواطف و احساس و اندیشه کودک و نوجوان تلقی می‌گردد به شرط آنکه این اهداف و شیوه‌ها با هدایت و خط و سیر دادن همراه گردد. به وسیله بازی تکراری بودن مباحث، خستگی آور بودن کارها جای خود را به فعالیت و کار همراه با رغبت و میل یادگیری

می‌دهد. از این حیث امروزه بازی وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان قلمداد می‌گردد که در مدارس نوین و پیشرفته سعی می‌شود همراه با آن درسها را به کودکان و نوجوانان آموزش و تعلیم دهند.

وجوه اشتراکات فراوانی بین بازی و کودک بر شمرده‌اند اما می‌توان به مهمترین آنها به شکل فاکتوری به شرح زیر اشاره کرد:

بازی و نمایش برای کودک و نوجوان یک موجود زنده محسوب می‌شود که با آن زندگی می‌کند، با آن می‌اندیشد و همیشه همراه اوست. نمایش و بازی به زمان حال مربوط می‌گردد و هیچ ارتباطی با گذشته و آینده ندارد از این رو زنده و بدون واسطه است و نقش مستقیم را برای کودک و نوجوان ایفا می‌کند.

عنصر لذت، زیباشناسی و آگاهی که به یک میزان در یک بازی و یا یک نمایش وجود دارد برای کودک و نوجوان یک حالت اختیاری به شمار می‌آید و اجباری در آن نمی‌بیند و به

سوی آن با میل و رغبت گرایش می‌یابد. در بازی و نمایش، استعدادهای ذاتی، خلاقیتها و کوششهای درونی کودک و نوجوان بروز می‌کند و از طریق آن به رشد و تعالی می‌رسد و علاوه بر اینکه به نگرشی نو در مرحله زندگی خود می‌رسد بر تجربیات خود نیز می‌افزاید در بازی و نمایش کودک و نوجوان سعی می‌کند تا آن نیازها و مشکلات درونی خود را به بیرون منعکس نماید تا خود را از فشار و سنگینی آنها رهایی بخشد و کودک و نوجوان را به اعتماد به نفس والایی برساند.

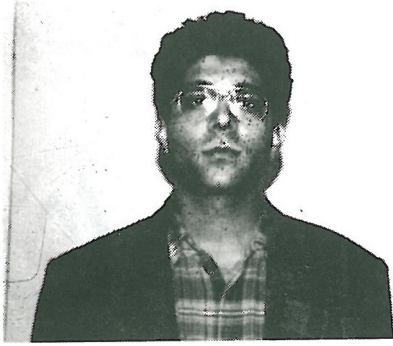
و در نتیجه بازی و نمایش برای کودک و نوجوان یک فعالیت جمعی محسوب می‌گردد که نظم و قاعده خاصی هر یک دارد و هر بازیگر باید قوانین آن را بخوبی رعایت کند و حقوق افراد را محترم بشمارد این فعالیتها خود تمرینی برای ورود به زندگی اجتماعی است و کودک و نوجوان را برای حفظ نظام اجتماعی و قواعد فرهنگی مهیا می‌سازد. ■

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان

با همکاری مرکز هنرهای نمایشی



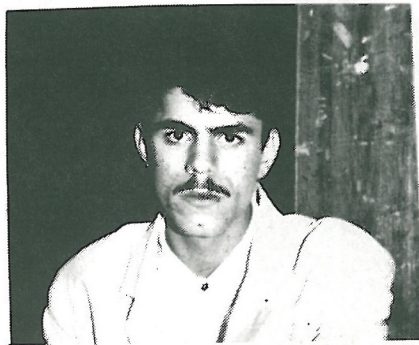
مصاحبه با کارگردان و بازیگر نمایش درسی برای مینا



می‌گیرد که این خود دست آورد این جشنواره است.

● نمایش شما بیشتر برای کودک است یا درباره کودک؟

○ نمایش من برای کودک است البته خود متن سؤال مبهم می‌باشد چون من نمایش درباره کودک و برای کودک می‌سازم.



● آیا جشنواره می‌تواند در پیشبرد تئاتر در شهرستانهای شرکت کننده مؤثر باشد؟

○ بله. اجراهایی قوی در پیشبرد تئاتر در شهرستانهای شرکت کننده می‌تواند مؤثر باشد.

داشته‌اید، اگر شرکت داشته‌اید چه تفاوتی را در جشنواره امسال با دیگر سالها می‌بینید؟
○ در هر سه دوره قبل جشنواره شرکت داشته‌ام خوب از لحاظ کیفی نمایشها نسبت به دوره‌های قبل از کیفیت بیشتری بر خوردار می‌باشند اما جشنواره امسال مثل هر سال شور و حال در داخل خود شهر همدان ایجاد نکرده است که سبب این امر فکر می‌کنم عدم وجود تبلیغات مناسب می‌باشد.

● به نظر شما این جشنواره تا چه حد می‌تواند در پیشبرد تئاتر کودک مؤثر باشد؟

○ خوب مسلماً بسیار زیاد که در همین شهر خود ما تئاترهای بسیاری را مشاهده می‌کنیم شاید همدان یکی از شهرهایی باشد که بیشترین فعالیت نمایشی کودک در آن انجام

● ضمن معرفی خودتان مختصری از فعالیتهای خود را در زمینه تئاتر بفرمائید.

○ بهرام دوست قرین متولد ۱۳۵۲. مدت ۱۰ سال است که فعالیت نمایش دارم بیش از ۲۰ نمایش در سطح اجرای عمومی و جشنواره ساختم دوره نمایش عروسکی - عکاسی و فیلمسازی (انجمن سینمای جوان) را نیز گذرانده‌ام.

● این چندمین کاریست که در زمینه کودک انجام داده‌اید؟

○ این، یازدهمین کار کودکی است که انجام می‌دهم (دیو سیاه، حسن کچل، لک لک پا شکسته، رویاه دم بریده، الف - ب پ تنبل، روز قشنگ سارا و...)

● آیا در سالهای گذشته در جشنواره شرکت

● قبل از هر چیز خودتان را معرفی کنید و از سوابق هنری خود بگویید.

○ مصطفی بیگی هستم. ۱۹ سال سن دارم و از سال ۷۴ فعالیت تئاتر خود را بطور جدی شروع نمودم. از جمله کارهایی که در آن فعالیت داشتم: مرد فرنگی، سیاه زنگی، مینا و قصه سه قهرمان، مرثیه سوگ سهراب

● تا چه اندازه در نقش خود موفق بوده‌اید؟

○ فکر می‌کنم توانسته باشم در نقشی که به من محول شده موفق بوده و آنرا بطور کامل اجرا نمایم اما اصل آنرا تماشاگران باید بیان کنند.

● آیا نظری در رابطه با بهتر برگزار شدن

جشنواره دارید؟

○ بهتر است بخشی به نام نمایشهای ویژه در جشنواره موجود باشد.

● به نظر شما به چه نمایشی، نمایش خوب می‌گویند؟

○ به نظر من نمایشی خوب است که درست با افکار و عقاید تماشاجی صدق کند.

● یک بازیگر در نمایش کودک چه نکاتی را باید مد نظر داشته باشد؟

○ یک بازیگر نمایش کودک بایستی کاملاً کودک را درک نماید و طوری بازی کند که کودک آنرا باور کند.

مصاحبه با کارگردان و بازیگر نمایش آقا غول و غول خاتون

لحاظ تکنیکی ایرادی نداشته باشد همچنان کارگردان - بازیگر - موسیقی - طراحی - نمایشنامه همه موفق و در یک راستا بوده و با هم جفت باشند.



● یک بازیگر در نمایش کودک چه نکاتی را باید مد نظر داشته باشد؟

○ بازی در تئاتر کودک همانند دیگر شیوه‌های بازیگری یک سری قواعد مخصوص به خود را دارد. به نظر من در کار کودک و بازیگری در کار کودک به ظرافت بیشتر و حس ملایمتر نیازمند هستیم.

● نمایش شما بیشتر برای کودک است یا درباره کودک دربارۀ کودک؟

○ نمایش برای کودک.

● قبل از هر چیز خودتان را معرفی کنید و از سوابق و فعالیتهای هنری خود بگویید.

○ بیژن مرادی هستم. ۶ سال کار تئاتر انجام داده‌ام به عنوان بازیگر

● تا چه اندازه در نقش خود موفق بوده‌اید و این نمایش را چه مدت تمرین کرده‌اید؟

○ موفقیت در نقش را تماشاجی باید معلوم کند - نزدیک به یک ماه این کار را تمرین کرده‌ایم.

● آیا نظری در رابطه با بهتر برگزار شده جشنواره دارید؟

○ با دعوت کردن اساتید خوب و تشکیل کلاسهای آموزش سطح جشنواره را بالا ببرند.

● به نظر شما به چه نمایشی، نمایش خوب می‌گویند؟

○ به نظر من نمایشی می‌تواند موفق، خوب و کامل باشد که از دردها سخن بگوید - ضمناً از

● ضمن معرفی خودتان مختصری از فعالیتهای خود را در زمینه تئاتر بفرمائید.

○ حسین حیدری هستم ۱۰ سال فعالیت تئاتر دارم.



● این چندمین کاریست که در زمینه کودک انجام داده‌اید؟

○ اولین تجربه من در زمینه کارگردانی می‌باشد.

● آیا در سالهای گذشته در جشنواره شرکت داشته‌اید، اگر حضور داشته‌اید چه تفاوتی را

در جشنواره امسال با دیگر سالها می‌بینید؟

○ در ششمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان امید همدان شرکت داشته‌ام.



نگاهی شتابزده و گذرا به تاریخچه تئاتر کودکان در جهان و ایران

بهروز غریب پور



بنابر تعبیری کاملاً صحیح دنیای نمایش و نمایش دنیا همواره به کودکان نیز اختصاص داشته، خواه در قالب تماشاگران، یا نمایشگران کودکان بخشی از نمایش محبوب می شده‌اند. اما نمایش کودکان، یعنی نمایشی که در چارچوب تصورات، نیازها، زیبایی‌شناسی کودکان و مبتنی بر نیازهای آنها آماده و به نمایش گذاشته شود دست آوردی کاملاً جدید است. مارک تواین، نویسنده معروف آمریکایی، نویسنده‌ای که با آفریدن داستانهای پرکشش تام سایر و هاکلبری فین شناخت عمیق خود را از دنیای کودکان و نوجوانان به نمایش گذاشته این دست آورد جدید را اینگونه تعریف می‌کند: نمایش کودکان اختراعی بسیار بسیار مهم در قرن بیستم و در عرصه فرهنگ است. مارک تواین این عبارت به یاد ماندنی و ارزشمند را پس از دیدن نمایشی در سال ۱۹۰۰ در تئاتر آموزشی کودکان نیویورک بیان کرد. هدف این نمایش آموزش زبان به کودکان و نوجوانان مهاجر نیویورکی بود که اغلب آنها بدون خانه و کاشانه بودند. نمایش جدید که متناسب شرایط آنها تهیه شده بود برای مدت کوتاهی آنها را از زندگی اسفناکشان جدا می‌کرد و در راستای تربیت و آموزش آنها گامهای درخور توجهی برمی‌داشت. البته این آغاز بود و دیگر کودک به عنوان عنصری از دسته‌های عزادار کلیسا به هنگام اجرای نمایش کلیسایی یا تماشاگری که دیدن بهشت و دوزخ نمایشهای قرون وسطی او را فقط از لحاظ بصری به خود جذب می‌کرد محسوب نمی‌شد بلکه نمایشی بود بدان اندازه‌های شعوری، آگاهی عمومی، نیاز ما و بالاخره نمایشی که می‌کوشید فقط برای آنها باشد. بدین ترتیب نمایش کودکان به تدریج

از تعریف و تفسیر برخوردار می‌شد. استانیس لافسکی در پاسخ اینکه تئاتر کودک چیست بسرعت ابراز کرد که تئاتر کودک همانند تئاتر بزرگسالان است اما سپس و پس از مکث کوتاهی اضافه کرد، با این تفاوت که تئاتر کودک مهمتر است. اگر استانیس لافسکی به این گفته خود متوجعتر، و پیچیده‌تر و دارای موضوعات و ساختارهای متفاوت است را نیز می‌افزود تعریف کاملی از نمایش کودکان ارائه داده بود. به هر حال طی مدت زمانی قریب به یک قرن آثاری برای کودکان و نوجوانان از نویسندگانی همچون داستایفسکی، موریس مترلینگ، کارلو گوتسی، دیکنز، اقتباس و به

نوعی نمایشنامه‌ها و نمایشهای آموزشی پدید آورد. اما در دوره قاجاریه هیچگونه فعالیتی که جنبه اجرایی اینگونه متنها تلقی شود به چشم نمی‌خورد تا اینکه در دوره پهلوی با بوجود آمدن مهد کودکی نظیر مهد کودک خانم برسابه کوششهایی در زمینه بکارگیری نمایش برای تربیت انجام گرفت اما جبار باغچه بان را باید آغازگر نمایش کودکان در ایران دانست او سعی کرد که در اجراها از دکور، لباس، ماسک، سایر ابزار جذاب صحنه‌ای استفاده کرده و با انتخاب یک زبان ریتمیک سهولت ایجاد تماس را میان بازیگران و تماشاگران خرد سال فراهم آورد. فوراً باید اضافه کرد که بازیگران غیر حرفه‌ای و خرد سال بودند. رژیم پهلوی با ایجاد کانون پرورش افکار دست به تلاش وسیعی اما بسیار اندک بین و اندک عمقی زد تا اغلب هنرها و بخصوص تئاتر را به عنوان وسیله تربیت کودکان بخصوص نوجوانان مورد استفاده قرار دهد که به سرعت همه آن فعالیتها به ابزار تبلیغ شاه و میهن پرستی مد نظر پهلوی اول قرار گرفت و کمترین اثری از یک دورنمای شایسته مقام تئاتر در تربیت واقعی در همه آن فعالیتها به چشم نمی‌خورد. در دوره پهلوی دوم در آغاز فعالیتها پراکنده بود، بیشتر در مهد کودکی و دبستانها کوششهایی برای استفاده مناسب از تئاتر صورت می‌گرفت باغچه بان و پس از او بیژن مفید و با قدرتهایی بسیار متفاوت از اولین کسانی هستند که به نمایشنامه نویسی برای کودکان پرداختند رضا بابک و بهروز غریب پور پس از آنها از آغازگران نمایشنامه نویسی برای کودکان محسوب می‌شوند. در زمینه اجرایی تئاتر و تئاتر عروسکی نسبتاً به دور از تصورات و توقعات رژیم پهلوی از هنر تئاتر کودکان دو کارگردان آغازگران بسیار معتبری به حساب می‌آیند دان لافن در زمینه تئاتر اسکارتابک در تئاتر عروسکی جریان جدید و بسیار متفاوتی را آغاز کردند که در تقطه مقابل ایده‌های سطحی کارگزاران فرهنگی هنری دوره پهلوی محسوب می‌شدند. از افراد و اعضای هر دو گروه که هنوز در عرصه این دو هنر تلاش می‌کنند به افرادی همچون مرضیه برومند، اردشیر کشاورزی، رضا بابک و بهروز غریب پور می‌توان اشاره کرد. مرضیه برومند و رضا بابک از بازیگران نخستین گروه تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کارگردانی دان لافن و بهروز غریب پور از بازیگران گروه عروسکی این کانون به کارگردانی اسکارتابک بودند. اردشیر کشاورزی در آغاز به عنوان مترجم و سپس به عنوان کارگردان در بستر این فعالیت قرار گرفتند. ■

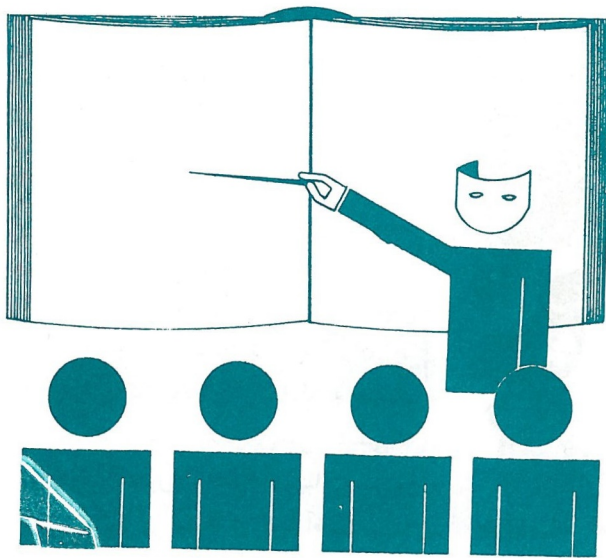
اجرا در آمد که تا آن زمان سابقه نداشت و با حضور کودکان یا در مورد زندگی کودکان در آثار ایبسن (مثلاً ایولف کوچولو) یا استریندبرگ (در قوی سفید) تفاوت کامل داشت. هنرمندان و مربیان راهی برای تربیت و آموزش کشف کرده بودند که دیگر مستقیم، صریح و خشک نبود بلکه کودک تماشاگری فرض می‌شد که در لابلای نمایش و قصه نه تنها پیامها را در می‌یابد بلکه چارچوب زیبایی شناختی او به لحاظ تصویری پلاستیک مرکب از بازی، نور، صدا، موسیقی، رنگ و داستان بالاتر از همه آنها در اجتماعی از هم سالان خودش نکاتی را در می‌یافت که شاید بر مخیله نمایشنامه نویس و کارگردان و بازیگر نیز خطور نکرده بود. در سال ۱۹۵۰ استریچ پاگرفت یعنی نمایش کودکان از شأن و منزلت خاص خود برخوردار شده و کارگردان، نمایشنامه نویس، طراح، عروسک ساز، موسیقی دان، بازیگر، و... تمامی عنصر مختص و مخصوص به خود را داشت و امروز کمتر کشوری در جهان دیده می‌شود که این اختراع فرهنگی را کم و بیش به کار نگیرد. در ایران زمین نیز بسیار زود در یافته شد که تئاتر ابزار قوی برای تربیت است. یکی از روشنفکران دوره قاجار سه اسباب ترقی و اخذ تمدن یا بنا به گفته خود او سوبلیزاسیون را اینگونه بر شمرده است: تئاتر، روزنامه و مدرسه و کوششهای اولیه نمایشنامه نویسان ایرانی نظیر میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی و حتی بعدها در دوره پهلوی، سید علی نصر دارای آنچه‌ان ساختمان ساده و ابتدایی بود که علیرغم توجیهشان به مخاطبان بزرگسال وسیله‌ای برای تربیت و هدایت کودکان نیز محسوب می‌شد. گفتگو نویسی وسیله دیگری بود که باز در دوره قاجاریه کشف شد تا از آن طریق علوم و فنون و روش زندگی آموخته شود. طالبوف با نوشتن کتاب (احمد) کوششهای پراکنده را به طور منسجم به شکل گفتگوی آموزشی ترتیب داد و خیلی زود دریافت که این شیوه بسیار مؤثرتر از شیوه‌های پیشینیان است و زمینه‌ای برای



سخنی کوتاه در خصوص تئاتر کودک

محمد رضا یوسفی

بخش دوم



اگر چه در تئاتر شکل ارتباط گیری و هم ذات پنداری کودک با نمایشنامه به اشکال متفاوت صورت می گیرد و در شرایطی مربوط به نوع تکنیک و شیوه کارگردانی و بازیگری هنرمندان می باشد، اما می توان گفت که در کل کودک به امر جایگزینی می پردازد و به تدریج با تماشای نمایشنامه و تأثیر گذار بودن متن نمایش و بازی بازیگران وارد عرصه هم ذات پنداری می گردد و خودش را در جای بازیگران می پندارد و با آنها در رنج و شادیهایی سهیم می گردد، متأثر می گردد، آه می کشد، می خندد، بغض می کند، به هیجان می آید، قراضه بودن صندلی را که روی آن نشسته است از یاد می برد، در پایان که بازیگرها را می بیند که می آیند و همه برای آنها دست می زنند، احساسی در او بیدار می شود که کاش به جای آن بازیگر بود؛ همان بازیگری که بیش از بقیه احساسات او را تحریک کرده است و او را به وجد آورده است. چرا یک نمایشنامه خوب و قوی، و اجرای پسندیده همان نمایشنامه کودک را جذب می کند؟ چه رمز و رازی در این میان نهفته است؟ به واژه ها و بازی بازیگران چه ارتباطی ایجاد می کنند که اگر ما به دوران کودکی خویش بازگردیم هنوز به یاد داریم فلان تعزیه چه بود و کدام تعزیه چرخان بهتر بود و کدام شخصیت بهتر بازی کرد؟ چگونه باید این رابطه را تجزیه و تحلیل کرد؟ روانشناسی کودک چه می گوید؟ زبان و ابعاد پیچیده آن چه می کند؟ کلمه چگونه خلق می شود و چگونه از بازیگر به بیننده انتقال می یابد؟ نشانه ها، سمبل ها، قراردادهای معمول داد و ستد مفاهیم چگونه نقش بازی می کنند؟ چرا کودک با شنیدن صدای بشکن زدن بازیگران می پذیرد که در صحنه دارد باران می بارد؟ چرا تئاتر دنیای نمادی می باشد و چگونه تئاتر به کودک می آموزد که با نمادها آشنا شود و با آنها حرف بزند اگر بحث نمادین تئاتر به انتقال مفاهیم از این طریق به کودکان بپردازیم، مشتتی از خروار را نشان داده ایم. در صحنه تئاتر، حتی در کامل ترین صحنه سازیها و دکور و نور و صدا، باز زبان بسوی نمادها گرایش دارد. هر شیئی در صحنه مظهر و ما به ازای واقعی همان شیئی می باشد در بیرون از صحنه و در واقعیت، اساس حیرت کودک به محض ورود به تئاتر در آغاز حضور همین نشانه هایی است که او در صحنه می بیند و او را به تفکر وامی دارد. ذهن آدمی از هر نشانه و واژه ای که به غیر از خودش دلالت کند به تفکر می پردازد. حواس تحریک می شود و

به چرایی آن نشانه و واژه می پردازد. در صحنه هر لبت، هر پاره شیئی که به دید کودک آید، معنایی از آن شیئی می پردازد که کودک در زندگی معمولی خودش آنرا دیده است غیر عادی بودن آن شیئی، فرض یک صندلی که بازیگر جلوی صحنه قرار داده و می خواهد با اشاره به آن به کودک بگوید: هنگامی که من بر روی این صندلی نشستم، یعنی در مدرسه و در سر کلاس درس هستم. کودک نه مدرسه ای می بیند، و نه کلاسی، و نه انبوه میز و صندلیها، بلکه یک صندلی حکم بر کلی می کند که آن در ذهن کودک می باشد. ابتدایی ترین مرحله آغاز نماد اندیشی، نشانه پنداری در کودک چنین شروع می گردد. ذهنی که تربیت شود، بیاموزد که بر اساس نشانه ها، به مفاهیم برسد. از جزء به کل نقب زند، به عمل استقرار پردازد، آن ذهن پرورش می یابد که بتواند در شرایط گوناگون از جزء به کل برسد. اینگونه است که کودک می آموزد، هنگامی که پای فیل را به او نشان دادند، پی به وجود فیل برد و به روایت عامیانه، پس از گفتن " ف " به واژه " فرحزاد " برسد و بتواند از نشانه های جزء به قوانین کل دست یابد، چنانکه این مقوله مشترک هنر است و علوم محض.

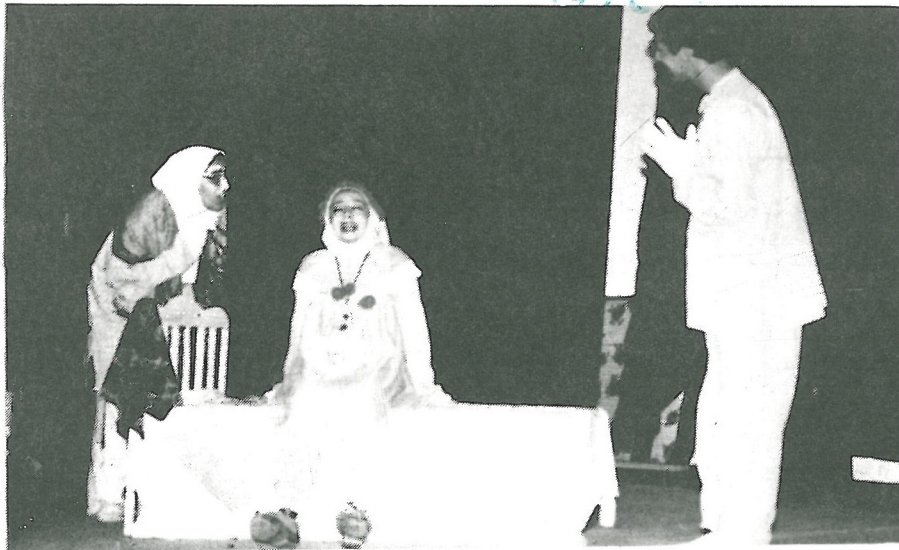
بحث نشانه و نماد پنداری ریشه در فرهنگ و متون ملل گوناگون و بشریت دارد، و تئاتر از آنجا که نخستین هنر نمایشی، و پایه و پای رقص از آغاز با بشر ابتدایی پا گرفته است، دلالت بر تکامل اندیشه و شعور در آدمی را دارد.

پس از سوی نشانه های عینی بر صحنه، کودک را به اندیشیدن وامی دارد و از سوی دیالوگها هستند که کودک از این طریق و از راه ترس به مفاهیمی پی می برد. اساس نمایشنامه بر دیالوگ است. واژه ها سیل وار بر سر کودک ریخته می شوند، او در هماهنگی نشانه های صحنه و معانی واژه ها، و نیز بازی بازیگران، مفاهیم را می یابد. چنین است که متن نمایشنامه در تئاتر از ضرورتی اساسی و مهم برخوردار می باشد. در یک تئاتر خوب و عالی،

ما ابتدا می باید متنی شایسته داشته باشیم. برآستی همه راهها به رم دیالوگها ختم می شود. باید در آغاز نویسنده تربیت کرد. برای نویسندگان فضایی مفید و آزاد خلق کرد تا با فراغ بال بنویسند. دیالوگها با ذهن کودک چه می کنند؟ کودک به صحنه چشم دوخته و رشته به هم پیوسته واژه ها و عبارات است که در دایره ای بر مدار اندیشه و احساس، ذهن و حواس او را متغیر می کنند. گاه آزرده می شود، گاه می خندد و گاه از تعجب ناخواسته دسته صندلیش را می چسبد. در نمایشنامه، و در گفتگوها اوج هنرنمایی نویسنده تجلی می یابد. نویسنده می باید همه احساسات و اندیشه و ویژگیهای قومی، و نیز مشخصات اجتماعی کاراکترهایش را در ظرف دیالوگها بیان کند. چنین است که در یک اثر نمایشی مطلوب، کودک با غنی ترین گفتگوها آشنا می شود. در فیلم بخشی از این مهم با صحنه پردازی و بازی دوربین و مونتاژ انجام می گیرد و در داستان و داستان نویسی نیز با توصیفات و تشریفات و روایات نویسنده نیز بخشی از بار دیالوگها بیان می گردد، اما در تئاتر تمامی به عهده دیالوگها می باشد. حتی طبیعت و مکان وقوع قصه در نمایشنامه آنچنان که در فیلم و داستان اتفاق می افتد و وجود دارد نیست، بلکه نویسنده و کارگردان با نشان دادن نمایشهایی از واقعیت به شکلی سمبلیک، سعی به بازگرداندن واقعیت بر صحنه تئاتر دارند که این تماماً ممکن نیست و سرانجام زبان و بیان تئاتر جهت به سوی نمادین بودن دارد، و این از ویژگیهای خیال برانگیز و منحصر به فرد تئاتر می باشد. از آنجا که شمردن یک یک ویژگیهای تئاتر و تقابل و تجانس آن با فیلم و داستان در این مقاله کاملاً میسر نیست، باید به همین بسنده کرد که تئاتر یکی از شاهراههای گسترش تخیل در کودکان می باشد. و اگر از این امر غفلت کنیم، که تاکنون توجه کافی نکرده ایم، میراثی گرانبها را از کودکان امروز و مردان فردای جامعه گرفته ایم. ■



معرفی نمایشهای روز چهارم



درسی برای مینا
 نویسنده: عباس دوست قرین
 کارگردان: بهرام دوست قرین
 آهنگساز: مهرداد نصرتی
 بازیگران: فهیمه قره باغی، مصطفی بیگی،
 آناهیتا چلوبی، شهرام ضمدی نیا، مینا رسولی،
 جواد حاجیلویی
 کاری از انجمن نمایش همدان
 خلاصه نمایش: مینا به علت نا آگاهی مریض
 می شود و از دکتر و دوا می ترسد و...

آقا غول و غول خاتون

نویسنده و کارگردان: حسین حیدری
 موسیقی: علی عزیزی، امید ملکی
 بازیگران: شمس صادقی، مهدی ادیبی، مهدی
 برومند، مهرداد بنکداری، فرزانه رنجبری،
 بهاره عباسی، حمیرا سرخوش، معصومه
 پاشایی، حسین حیدری و...
 کار از گروه تئاتر بامداد شهرستان کرمانشاه
 خلاصه نمایش: غولی به همراه همسرش غول
 خاتون می خواهد وارد باغ بچه ها شود اما در
 باغ بسته است و بچه ها با اتحاد و با کمک
 دانایی مانع می شوند...



بچه ها و جشنواره

- خوب بود می توان نتیجه گرفت که در همه حال با هم همبستگی داشته باشیم.
- از چه قسمت نمایش بیشتر خوشتان آمد؟
- همه قسمت های نمایش خوب بود.
- سلام آقا کوچولو اسمت چیه و چند سال داری؟
- علی دزفولی نژاد هستم. کلاس سوم راهنمایی را می خوانم.
- از نمایش خوشتان آمد اسمش چی بود؟
- بله درسی برای مینا
- از کدام نقش خوشتان آمد؟
- از نقش گربه
- چی فهمیدی؟
- هیچ وقت حیوانات را اذیت نکنیم که میکروب را به ما منتقل نکنند.

- نظر شما راجع به نمایش آقا غول و غول خاتون چیست؟
- خیلی شاد و جالب و شیرین بود.
- از کدام نقش خوشتان آمد؟
- نقش برادر بزرگ چون همه را راهنمایی می کرد و عاقل بود.
- چه نتیجه ای از تئاتر آقا غول و غول خاتون گرفتی؟
- نباید گول آدم های بد را بخوریم و همیشه دانا باشیم.
- سلام اسم شما چیه؟
- پدرام یوسف وند ۷ ساله.
- از نمایش خوشتان آمد؟
- بله
- چه چیزی یاد گرفتی؟
- باید به حرف بزرگترم گوش کنم.
- سلام لطفاً خودتان را معرفی کنید.
- پگاه یوسف وند ۱۲ ساله
- به نظر شما نمایش چطور بود؟

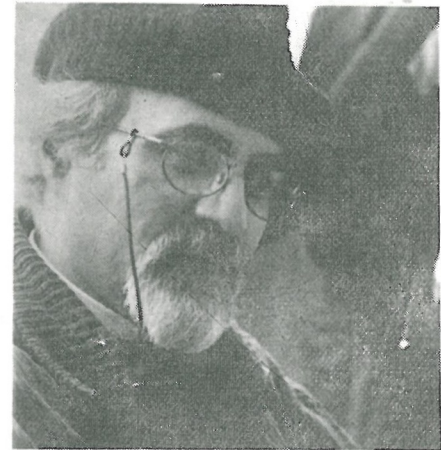
- سلام کوچولو اسمت چیه؟ چند سالته؟
- سلام فردین ۶ ساله
- نمایش آقا غول و غول خاتون قشنگ بود؟
- بله
- از کدام بازیگر خوشتان آمد؟
- دانا
- از نمایش چی فهمیدی؟
- زود گول نخوریم.
- سلام اسمت چیه؟ چند سالته؟
- نرگس ۹ ساله
- به نظر شما نمایش چطور بود؟
- خیلی خوب بود.
- از کدام نقش خوشتان آمد؟
- مینا
- این نمایش چه چیزی به شما یاد داد؟
- با هم باشیم که همیشه پیروز بشویم.
- سلام. اسم شما چیه؟
- عبدی دلخواه ۱۲ ساله



گفتگو با بهروز غریب پور

● وضعیت تئاتر کودک و نوجوان را چگونه می‌بینید؟

○ نخست لازم است بدانیم که تئاتر کودک و نوجوان در عرصه تئاتر جهانی یک پدیده جدید محسوب می‌شود. پدیده‌ای که بیشتر زائیده رشد روانشناسی کودک و نوجوان است. پس از آشکار شدن تفاوت‌های آشکار تلقیات و



توقعات و نگرش کودک و نوجوان به جهان

اطرافش شناخته شده و بالطبع در تمام جهان از عمر چندانی برخوردار نیست و هنوز کشف ابعاد و زوایای آن ادامه دارد. بنابراین این گونه تئاتر در کشور ما نیز یک پدیده جدید و تقریباً نا شناخته است. متأسفانه این تلقی که تولید کنندگان این نوع تئاتر نبایستی اشراف چندانی نسبت به تئاتر و روانشناسی کودک داشته باشند سبب پدید آمدن این باور شده است که تئاتر کودک نردبان پیشرفت هنرمندان این عرصه باشد که پس از چندی به تولیدکنندگان تئاتر بزرگسالان مبدل خواهند شد. در صورتی که به نظر من تولید کننده تئاتر کودک بایستی در سطح عالی تئاتر بزرگسالان باشد تا بتواند به فعالیتی فوق تخصصی، یعنی تئاتر کودک پردازد. پس تنها در شرایطی این وضعیت بهبود می‌یابد که به خطیر بودن تئاتر کودک پی ببریم که متأسفانه در حال حاضر این چنین نیست و مادامی که این تفسیر و نگرش جدی گرفته نشود وضعیت نه چندان مطلوب تئاتر کودک اگر نزول نکند، در همین سطح باقی خواهد ماند.

● تئاتر کودک و نوجوان کشور از چه مشکلاتی رنج می‌برد؟

○ نا آگاهی تولیدکنندگان از هر حیث. متأسفانه با اندکی تغییر صدا و لوس کردن و پا

بر زمین کوبیدن و لج و لجبازی، کمی موسیقی و کمی رنگ چیزی به نام تئاتر کودک ساخته می‌شود. مقصرین - اگر به چنین عنوانی اعتقاد داشته باشیم - هم در میان تولید کنندگان و هم در میان مسئولین به وفور دیده می‌شود. پس بی دانشی یا کم دانشی علت عمده مشکلات بعدی است. مشکلات مجموع تئاتر کشور به اضافه این عدم اطلاع ملقمه‌ای دردناک و تلخی به نام تئاتر کودک فراهم کرده‌اند.

● چه پیشنهاداتی برای بهتر بر پا شدن جشنواره دارید؟

○ ما در این زمینه همچون سایر زمینه‌ها از مواهب خدادادی برخورداریم: استعداد فراوان و بالقوه داریم، اما سیستم هدایت و پرورش نداریم بنابر این ایجاد یک سیستم کارآمد با مدیریتی عالی می‌تواند جشنواره‌ها را پر بارتر کند. رویکرد این مدیریت بایستی در درجه اول به تولید مستمر و دائمی تئاتر کودک و نوجوان پردازد تا جشنواره به محل عرضه بهترین آثار مبدل شود.

● جشنواره تئاتر کودک و نوجوان "امید" باید چه اهدافی را دنبال کند؟

○ - تحقق در جوانب مختلف نمایش کودک - ایجاد کارگاه‌های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت

- سرمایه گذاری در همه موارد اعم از تأسیسات ساختمانی و حمایت مالی گروه‌ها

- هدایت بخش خصوصی برای تولید اثر صحنه‌ای بدون گیر و گرفته‌های اداری و

تخصیص بودجه حمایتی برای این بخش - دعوت گروه‌های خارجی صاحب نام و محبوب

- و..... از جمله کوششهایی است که جشنواره امید را اعتلا خواهد بخشید.

گفتگو با داریوش مؤدبیان

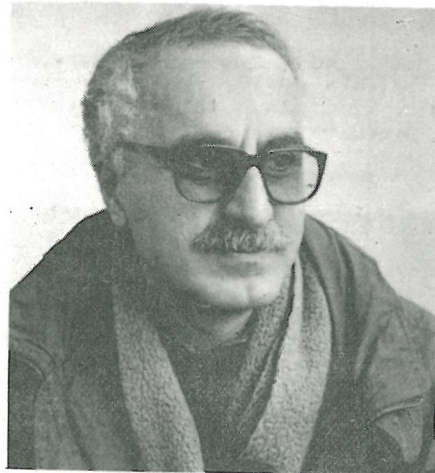
● وضعیت تئاتر کودک و نوجوان را چگونه می‌بینید؟

○ تئاتر کودک و نوجوان در تمامی جهان بحرانی است و در این کشور در حد همان تئاتر

کودک و نوجوان تئاتر ایران. می‌خواهم بگویم که شرایط وضعیت تئاتر کودک و نوجوان از شرایط وضعیت کلی تئاتر در ایران جدا نیست. برای تعیین تئاتر کودک باید ابتدا به وضعیت کلی تئاتر ایران پرداخت، پس.....

● تئاتر کودک و نوجوان کشور از چه مشکلاتی رنج می‌برد؟

○ در مقام نخست: نمایشنامه نویسی یعنی به نبود متون مناسب و دست آخر در مقام آخر که پاسخ گوی تمام مقامات پس از خود می‌تواند باشد: آموزش درست و بنیادین تئاتر کودک و



نوجوان

● چه پیشنهاداتی برای بهتر بر پا شدن جشنواره دارید؟

○ تئاتر کودک را نباید کودکانه فرض کرد. بهترین و کارآمدترین ابزارهای خلق هنری (که عوامل: مجریان و خالقان را نیز شامل می‌شود) را باید به کار گرفت تا تئاتری علمی برای کودکان و نوجوانان عصر علم داشت و به تبع آن بتوان در جشنواره برگزیدگان این بهترینها را جا داد.

● جشنواره تئاتر کودک و نوجوان "امید" باید چه اهدافی را دنبال کند؟

○ جشنواره به مثابه یک ابزار، یک اهرم حرکتی عمل می‌کند. فراموش نکنیم برپایی

جشنواره‌ها هدف نمی‌توانند باشند. بلکه ابزاری برای ارتقاء کمی و کیفی هر پدیده

هنری که مورد بحث قرار گرفته است. جشنواره تئاتر کودک و نوجوان باید تمامی

ابزار فرهنگی و هنری بویژه تئاتری را به خدمت بگیرد. اگر مسئولان امیدوارند که

تئاتری شکوفا داشته باشند باید از همین جشنواره کودک آغاز کنند. جشنواره کودک و

تئاتر کودک را جدی بگیرند. تمامی امکانات را در خدمت آن قرار دهند.



انتظار

قسمت پنجم
بر گرفته از کتاب خورشید مغرب تألیف محمد رضا حکیمی
طلب خورشید
آهنگ خاوران می‌کنیم، و به سوی چشمه خورشید می‌شتابیم...
به خاورستان تابناک فروغ ازلی هدایت چشم می‌دوزیم، و به آهنگ فرا رسیدن طلایه روزهای نورانی، خویشتن سرشار می‌سازیم...
از سر امواج موج اثیر سپیده دمان می‌گذریم، و جان خود را بالمعات آن خورشید روشنایها و تابشها، روشن می‌داریم...
دل را از پرتو تولای آن مهر درخشان می‌افروزیم، و دست طلب بسوی آفاق هستی‌ها دراز می‌کنیم، و با آن جان جانها را می‌طلبیم...
از مفازه‌های تاریک می‌هراسیم، و از وادیهای ظلمت می‌گریزیم، و دل به طلب نور می‌سپاریم...
درخششهای فجر امید را مشعل راه می‌کنیم، و به آفاق نور بار مطلع انوار خیره می‌شویم...
... و بدین گونه می‌رویم تا گامی در راه خورشید شناسان خورشید طلب بنهیم، و تا خاک راه خورشید طلبان خورشید شناس را توتیای چشم کنیم...
و ای خورشید جهانها، برای!
ای روشنگر هستی، بیافروز!
و ای راز بزرگ تجلی، چهره بنما!
ای کعبه مقصود، نمایان شو!
و ای قبله موعود، عیان گرد!
ای مشعل علم، روشنی بخش!
و ای مربی عقل، آگاهی ده!
ای حامل قرآن، بیا!
و ای صاحب شمشیر، بنخیز!
ای امید رهایی، بشتاب!
و ای پناه همگان، فرار رس!
ای ذخیره الهی، به در آی!
و ای اسمت نا متناهی، بخروش!
ای شفای دردها، بهبودی بخش!
و ای نجات جانها، حیات آفرین!
ای سر عظیم، بخوان!
و ای اسم اعظم، بدم!
ای کشتی نجات، به سوی ما آی!...
و ای ساحل رستگاری، پیدا شو!
بیا و مشتاقان مهجور را دریاب، و شیفتگان بی تاب را آرامش بخش!
ما کوله بار دل تاریک بر دوش نهاده، در این هامون بیکران راه می‌سپاریم، و نشان سر منزل تو را می‌جوئیم...

ادامه دارد...

پنجره‌ای به نمایش آقا غول و غول خاتون

حسین صفی

جنگ زمانی پا به میدان می‌گذارد که دیپلماسی به بن بست رسیده باشد در حالیکه شما به کودک ما گفتید که جنگ در ابتدای کار دیو و غول است، در حالی که اگر آدمی را با فریب و خدعه نتوانند فریب دهند آنگاه سلاح بر می‌کشند، چهارم اینکه به کودک امروز باید آموخت که دوران جنگ نظامی به معنای زور امروزه کم رنگ شده بلکه غولها و دیوها سلاح فرهنگ به جنگ انسانها می‌روند و بر انسان و کودک امروز است که به اندیشه و تفکر انسانی مسلح شود نه به دستان و زور بازو و غیره. و جالب تر اینکه بچه‌های صحنه نیز با صلاح زور (درگیری فیزیکی با جنگ) بر غولها پیروز می‌شوند نه از راه اندیشه و ورزشی، و خیلی ساده هم به پیروزی دست می‌یابند، اگر کودکان امروز ما و سختی‌ها و ویرانه‌ها و شهادت‌های دوران جنگ را ندیده است سروران ارجمند ما و شما که دیده‌ایم، پیروزی امروز ما در جنگ با عوامل استعمار معلول به زمین ریخته شدن خونهای پاک جوانان غیور و ویرانی‌های ناشی از آن است، پس به کودک بیاموزیم که بهای پاک بودن، سالم زیستن و آزادگی را به سختی‌ها باید داد نه به بهانه‌ای. اما در اجرا، ساخت فضایی ملموس و مناسب برای طرح قصه و همسو با ذهنیت کودک، بازیهای خوب بویژه غول خاتون، بالانس بودن صحنه به لحاظ دیزاین کلی، لباسهای مناسب با روحیات اشخاص بازی و تلاش جمعی از محاسنات اجرا و تکرار در میزانشنا، تمهید غیر نمایشی هل دادن برای بیرون راندن جنگ، رفتن آدمها (فریبا) به نزد طمع (در حالیکه طمع در درون آدمهاست)، استفاده از نام فریبا برای بازیگری که فریب می‌خورد (فریبا یعنی فریبنده و فریب دهنده) و استفاده از بازیهای لمپنی برای کاراکترهای منفی (دوران اینگونه تفکر منفی سر رسیده)
دویدن و خندیدن راوی بدون بهره بردن نمایش از آن حرکات، در هم بودن وزن و قافیه بعضی از ابیات، نادیده گرفتن دیوار چهارم به شکل غیر اصولی در بعضی از موارد، از کاستی‌ها بشمار می‌آید، خسته نباشند دوستان خوب و پر تلاشمان در این گروه و ببخشند ما را بخاطر نوع نگرشمان از پنجره ■

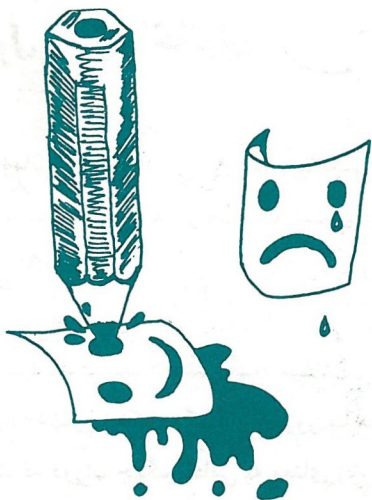
فرهنگ، ادبیات مکتوب و فولکلور مردمان هر سرزمین، گنجینه‌ای است عظیم و پایان ناپذیر برای استفاده در ادبیات نمایشی آن سرزمین. ادبیات کهن مکتوب و فرهنگ شفاهی ایران زمین در زمره غنی‌ترین و ارزشمندترین فرهنگهای ملل مختلف است. شاهنامه فردوسی، منطق الطیر عطار، مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی، مرزبان نامه و... در ادبیات رسمی و داستانها و ملتها و افسانه‌هایی که سینه به سینه از مادر بزرگها نقل شده و از پدر بزرگها شنیده شده در فولکلور این سر زمین آنچنان جهت استفاده در درام پر مایه و متنوع هستند که صد حیف اگر نگاهی به آنها نکرده و در راستای تئاتر بومی از آن استفاده نکنیم. مگر نه اینکه پایه‌های درام اروپا بر درامهای تراژدی نویسان بزرگ یونان باستان یعنی آشیل، سوفوکل و اورپید است و مگر نه اینکه این سه درام نویس ماندگار داستان درام‌های خود را از سروده‌های شاعر نابینای یونان یعنی ایلیاد اودیسه هومر وام گرفته‌اند و باز هم مگر نه اینکه هومر این سروده‌ها را از داستانهای سینه به سینه پیشینیان برگرفته، همچنان که حکیم فردوسی جهت نگارش شاهنامه بزرگ از داستانهای پراکنده در ذهن مردم عصر خویش الهام گرفته و چنین است آثار جاودانه و ماندگار نمایشنامه نویس شهیر انگلیسی در قرن ۱۶ میلادی که برگرفته از داستانهای مردم اسکاندیناوی. یکی از موجودات افسانه‌ای که در فرهنگ عامه ما جای خشک کرده است غول یا دیو است. غول نماد پستیها، خبثات، شر و بدی است. و همچنان ذهنیت محوری نمایش آقا غول و غول خاتون، به خاطر استفاده از فرهنگ عامه به این گروه تبریک می‌گوییم، اما آنچه در اولین نگاه توجه را در این نمایش به خود جلب می‌کرد عدم شناخت کافی گروه از این مقوله است، اولاً چنین غولهایی ضعیف که در مانده و عاجز از هر عملی باشند در این فرهنگ وجود ندارد که در برخورد با هر جریانی سر در گریبان فرو برند، ثانیاً غولهای رقص و بازی درآر در فرهنگ شفاهی غولک و شیشه باز هستند نه آقا غول و غول خاتون، سوماً یک عرف در عالم سیاستمداران وجود دارد که



پنجره‌ای به نمایش درسی برای مینا

حسین صفی

اجازه دهید با عرض معذرت یکبار این را بگویم که صحنه مقدس تئاتر که مخاطبش آنرا انتخاب می‌کند با شیشه جادویی تلویزیون فرق دارد تماشاگر تئاتر سرمایه تئاتر است و ارجمند و محترم، چرا که برخلاف رسانه‌ای چون تلویزیون با انتخاب (این ودیعه والای الهی) به دیدن نمایش می‌آید، و بگذار بگویم هر چند تلخ، میان پرده‌های بعد از خبری به اندازه کافی از تلویزیون پخش می‌شود و دیگر حیف است که صحنه تئاتر نیز جولانگاه چنین قالبی باشد رخصت دهید که یک تلخی دیگر را در شیرینی تئاتر بازگو کنیم و آن اینکه واقعاً نمی‌دانیم چه کسی گفته که تئاتر کودک یعنی گفتن و عمل کردن در راستای هر چه دلت خواست. دوران تئاتر صرفاً برای سرگرمی سالهاست به پایان رسیده از زمانی که تفکر هنر برای هنر و ویکتور هوگو یا قالب هنری پاراناسیس به پایان رسید تئاتر رسالتی فراتر از پر کردن اوقات دارد با این مقدمه نه چندان خوش آیند به نمایش درسی برای مینا می‌پردازیم عدم انسجام در بافت کلی متن دردی است که نوشته از آن رنج می‌برد و این متأثر از رعایت نکردن اصل علت و معلولی در نوشته است اصلی که پدیده‌های جهان از آن پیروی می‌کنند و هر حرکت یا پدیده معلول حرکت یا پدیده دیگری است میکروها به قلب مینا حمله می‌کنند، چرا؟ قلب مینا از چه روی رو به نابودی است، آیا به این دلیل که نمایش به ما می‌گوید؟ یعنی جویدن آبنبات با دندان، نشستن دست و صورت یا نگرفتن ناخن؟ آیا واقعاً چنین است؟ یا اینکه قلب جایگاه عواطف و احساسات است و زمانی رو به هلاکت می‌رود که عاری از احساسات پاک شده و با حمله خصلتهای رذیله سیاه شده باشد نه نگرفتن ناخن و... چه کسی گفته قلب با این دلائل خورده می‌شود در حالی که با علت‌های دیگر سیاه می‌شود چشم مینا چرا پیر و فرتوت است (عصای دستش این را می‌گفت) و چرا لودگی می‌کند (گفتار و اعمال چشم را به یاد آوریم)، دندان کنده شده، یعنی استخوانی بی جان چگونه از مغز فرمان می‌برد و به جنگ میکروها می‌آید. مادر بزرگی که خود نیز از آمپول می‌ترسد چگونه می‌تواند الگوی کودکان ما باشد. حضور واکسینا بعد از بیماری مینا در صحنه برای اثبات کدام راه کار است چه کسی گفته واکسن برای کشتن میکروب است و بعد از بیماری می‌تواند چاره ساز باشد؟ چه کسی است که نداند واکسن برای پیشگیری و آمادگی



بدن در مقابله با میکروب است نه برای درمان. کجای دنیا بعد از بیماری واکسن می‌زنند ارتباط این پرسوناژها در نمایش با کل اثر چیست؟ وقتی چنین می‌شود آنوقت می‌بینیم که نمایش در برقراری صحیح و تأثیرگذاری بر کودک جوابی منفی می‌گیرد و آنجا که بازیگران از کودکان می‌پرسند که آیا آمپول ترس دارد مخاطبان یک صدا می‌گویند که، بله و هنگام نمایش می‌پرسد اگر بیمار بشوید آمپول می‌زنید، کودکان می‌گویند، نه! و این یعنی نتیجه و جواب عکس گرفتن در ارتباط و تأثیرگذاری بر مخاطب (اجرای دوم کانون مهدیه). جان دادن به اشیاء و حیوانات از ویژگیهای بارز تئاتر کودک است و پسندیده اما حضور سه پرسوناژ برای گرفتن پنجره و ساعت بی هیچ کاربردی از کدام منطق پیروی می‌کند؟ ناخواسته به اجرا وارد شدیم، پس بگویم که، باز سازی واکسینا بسیار زیبا و گیرا بود نمایش از فضا سازی در تئاتر کودک به خوبی سود برده بود. موسیقی لحظات زیبا بسیار داشت بویژه در دادن حس خنده و بخش پایانی، صحنه پایانی کار به لحاظ انتقال حس و زیبایی قوی بود بازی رسولی بسیار نرم بود (اما حیف که در ایفای نقشی سراسر احساس از او خواسته بودند تا چون روبات بازی کند) چلوبی باز هم خوب بازی کرد و کمتر سال گذشته را تکرار کرده بود متفاوت بازی می‌کرد. صمدی مثل همیشه با انعطاف بود و لباسها مناسب و زیبا. اما رقص کاباره‌ای میکروها، حرکات ماشینی قلب، همراه شدن ساعت و پنجره‌ها حرکت‌هایی چون خستگی را با مینا بدون در نظر داشتن منطق محکم نمایشی، ریتم کند ابتدای نمایش، پشت هم پریدن‌ها (که مخصوص کمدهای بزن بکوب یا فاس است) عدم همخوانی موسیقی در بخش درگیریهای دندان با میکروها و درگیریهای دیگر، چندان به اجرا نمی‌چسبید. اما بطور کلی کار از ویژگیهای تئاتر کودک بهره می‌جست امید که برادران دوست قرین و گروه اجرایی همواره موفق باشند و خسته نباشند و نگاه اینگونه ما را از پنجره قلم عفو بکشند. ■

ترنم دل انگیز حضور

مشغول بودیم و درگیر، درگیر با قلم و صفحه سفید، درگیر با عکسهای نمایش، با مطالب، یکی خبر می‌آورد و یکی گزارش می‌نوشت، یکی ویرایش می‌کرد و یکی نقد می‌نوشت. و در دفتر بولتن بودم. ساعت ۶ عصر، برو بچه‌ها سخت به کار بودند تا پنجمین شماره بولتن نیز به یاری خدا به همت بچه‌ها سر فراز بیرون آید، غالباً آماده شدن‌ها در لابلای اندیشیدن‌ها گم می‌شد، همه یکی بودند که حضور مدیر کل محترم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر محترم جشنواره به همراه همکاران محترمان با هم بودن و هم دل و همراه بودن مسئول محترم با بچه‌های بی شایه و پيله را به ارمغان آورد، حاج آقا اسماعیلی و همراهان خودمانی با ما نشستند، زحمات را قدر دانستند و کاستی را راهنمایی، از توان بالقوه گفته شد و از محدودیت امکانات لحظات ناب و شیرینی بود، حضور حاج آقا اسماعیلی شوری و توانی نو به اهالی بولتن داد. براستی چه زیباست فضای مقدس فرهنگی را به یکی شدن آراستن، و چه شیرین خاطره این با هم بودن‌ها در محدوده اتاقهای تنگ بولتن، امید که حضرت حق طعم ناب لحظه‌های صمیمیت و یکدلی را در گستره فرهنگ و هنر پایدار سازد. ■

اطلاعیه

به اطلاع علاقمندان به هنر نمایش می‌رساند، در ادامه برنامه‌های آموزشی هشتمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان (امید) همایش نقش تئاتر در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک و نوجوان در روزهای ۱۱ و ۱۲/۹/۷۷ رأس ساعت ۲۱/۳۰ در سالن اجتماعات هتل هگمتانه برگزار می‌شود.

مدیر مسئول: علیرضا اسماعیلی
سر دبیر: حمید شریف زاده
مدیر داخلی: مجید فروتن
مدیر هنری: شهرام غفوری، پرویز رضانی
نویسنده: حسین صفی
عکاس: خواهر انگروانی
تهیه حبر: سعید باغبانی،
سعید بیات، علی ترکاشوند، مرتضی بهرامی،
پوریا نژادویسی، خواهران سیاح، مهدی پور
حروف چینی: سیما کامپیوتر
صفحه بندی: اسد... بارمحمدی
لیتوگرافی: محمد
چاپ: اندیشه
ناظر چاپ: وحدتی، پاریان، احمدی
با تشکر فراوان از مهدی گرمی